

تحلیل برهان مند گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام با تأکید بر منابع اهل سنت

محمد دادفر^۱

چکیده

از مباحث مطرح درباره امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا، مشروعیت عزاداری و گریه بر آن حضرت و شبهات و اشکالات وارد شده از سوی وهابیت بر شیعه در این زمینه است. این پژوهش به شیوه اسنادی و نیز روش تحلیلی-توصیفی، تلاش دارد فطری بودن گریه و سوگواری در منطق عقل و نقل را به صورت تلفیقی بررسی کرده و مباحث مرتبط با موضوع گریه بر امام حسین علیه السلام را به صورتی جزئی تر بیان کند. برای بررسی فطری بودن عزاداری و نیز موضوع تفاوت در نوع عزاداری ها به ویژه از دیدگاه علمای اهل سنت، ابتدا مطابق بودن عزاداری و گریه با فطرت یا همان نفس الامر وجودی انسان ها، ثابت شده و سپس علت این تفاوت در عزاداری ها در عین یکسان بودن امر فطرت، تبیین شده است. بررسی ها نشان می دهد بنابر منابع روایی اهل سنت، عزاداری به صورت عام، و بر امام حسین علیه السلام به صورت خاص، عملی مشروع است. همچنین در این نوشتار با استفاده از روایات و با تمسک به سیره عقلاء، سبک های عزاداری بررسی و موارد مجاز بیان شده است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عزاداری، روایات اهل سنت، انحرافات عزاداری.

۱. پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه، دانش آموخته فلسفه و دانش پژوه دکتری مدیریت دولتی، shetabdrad14@gmail.com

مقدمه

برای اثبات اغلب مسائل و موضوعات، می‌توان از دو روش عقلی و نقلی استفاده کرد. این دو روش، به مثابه دو بال پروازی هستند که انسان را به اوج معرفت می‌رسانند. بر اساس دلایل نقلی این تحقیق در باب مدعای پژوهش، که برگرفته از روایات اهل سنت است، به این حقیقت عقلی و وجدانی می‌رسیم که عزاداری فی‌نفسه در نهاد انسان‌ها قرار داده شده است؛ به نحوی که اگر اندک تسلطی بر معنای لغوی و اصطلاحی دو واژه متفاوت فطرت و بدعت داشته باشیم، روشن خواهد شد که انسان همواره و در طول تاریخ، در فراق عزیزان و از دست دادن‌های جانی بی‌تفاوت نبوده است. از این‌رو، عزاداری، روش و منش طبیعی مواجهه روحی انسان است.

از طرف دیگر، تأکید بر استفاده از روایات اهل سنت و فارغ از رویکرد تشیع، در راستای نمایش حقانیت و مشروعیت مسئله است. این در حالی است که فرقه ضاله وهابیت، که خود را از اهل سنت می‌شمارد- و البته از نظر بزرگان ایشان این‌گونه نیست- مدعی است که عزاداری و گریه، بدعت است و بدعت، حرام. ابن تیمیه، از بنیان‌گذاران این فرقه، می‌گوید: از حماقت‌های شیعیان، برپایی مجلس ماتم و نوحه است بر کسی که سال‌ها پیش کشته شده است (ابن تیمیه، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۲).

براین اساس و با توجه به فطری بودن عزاداری و ادله آن در قرآن کریم و روایات اهل سنت و نیز ادله عقلی در رد سخن وهابیت، به جهت ماهوی به بررسی این مسئله می‌پردازیم؛ چه این‌که فرقه وهابیت، نظام فکری شیعی را رافضی یعنی خارج شده از دین حنیف می‌داند. هم‌چنین با توجه به شیوع سبک‌های عزاداری حسینی در میان طیف متنوعی از شیعیان و

۱. ر. ک: «پاسخ‌های اهل سنت به شبهه‌های وهابیت»، ابوسجاد اسحاقی؛ «الدرة المضیة فی الرد علی ابن تیمیه» و «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام»، تقی‌الدین شبکی؛ «شرح شفاء السقام»، ملاعلی قاری؛ «المقاله المرضیه فی الرد علی ابن تیمیه»، محمدبن ابی‌بکر آخنائی؛ «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی»، علی بن محمد سمهودی شافعی؛ «خیر الحجة فی الرد علی ابن تیمیه فی العقاید»، احمدبن حسین بن جبریل شهاب‌الدین شافعی؛ «الدرة المضیة فی الرد علی ابن تیمیه»، محمدبن علی شافعی دمشقی کمال‌الدین (ابن زملکانی)؛ «الرد علی ابن تیمیه»، عیسی بن مسعود منکاتی؛ «نجم المهترین برجم المعتدین فی رد ابن تیمیه»، فخرین معلم قرشی.

حتی در میان اهل سنت، در ادامه تلاش می‌شود با نگاهی از منظر رصدگری عقل و نقل به این سبک‌ها، فضای تشخیص محدوده مجاز سبک‌های عزاداری از انحرافات در عزاداری‌ها هموار شود.

باید توجه داشت مسئله عزاداری و بکاء به طور عام و نیز گریه و عزاداری بر امام حسین علیه السلام به طور خاص با تمرکز بر شیوه‌ها و سبک‌های مجاز و غیر مجاز عزاداری، که از آیات، روایات و نیز عقل استخراج می‌شود، همواره موضوع پژوهش‌های مختلفی بوده و احصای این دسته پژوهش‌ها نیازمند منبع‌شناسی مستقلی است. در این میان، اغلب این آثار با محوریت قیام و سایر جنبه‌های حماسی و جریان‌ساز واقعه کربلا و «مقتل» بوده است. در کنار آن، آثاری نیز در ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- *التنزیه لأعمال الشیبه*، سید محمدحسن امین عاملی، ۱۴۳۷؛ رساله‌ای موجز در نقد رفتارهای غیر دینی در عزاداری حسینی است که ضمن نقد و بررسی برخی شیوه‌های سوگواری مانند قمه‌زنی، این عمل را از مصادیق فعل غیر شرعی و حرام معرفی می‌کند.
- *رسائل الشعائر الحسینیة*، محمد حسون، ۱۳۹۰؛ این مجموعه سه جلدی، تعدادی از آثار مکتوب درباره شعائر حسینی را جمع‌آوری و در کنار آن، آراء مختلف عالمان دینی و پاسخ به شبهات مطرح شده در این باره را گرد آورده است.
- *البکاء للحسین علیه السلام*، سید محمدحسن طباطبایی میرجهانی اصفهانی، ۱۳۸۸؛ این کتاب که در ۲۰ باب تنظیم شده، ضمن بیان موضوعاتی همچون اجر، پاداش و اثرات گریه بر مصیبت امام حسین علیه السلام، به وظایف برگزارکنندگان مجالس سوگواری حسینی اشاره کرده است.
- «البکاء للحسین علیه السلام»، سید محمدحسین میرباقری، ۱۳۹۷؛ در این کتاب بر مصائب امام حسین علیه السلام و اقامه عزاداری و گریه بر ایشان توسط ملائکه و پیامبران الهی تأکید شده و گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز گریستن سایر موجودات بر سیدالشهداء بیان می‌شود.
- «حماسه حسینی»، مرتضی مطهری، ۱۳۷۹؛ این کتاب به طور مفصل به موضوع تحریفات عاشورا پرداخته و ضمن تقسیم تحریف به لفظی و معنوی، تحریف معنوی را که از جمله آن نادیده‌گرفتن فلسفه قیام حضرت و رواج تفسیرهای عوامانه از آن است، مورد انتقاد قرار می‌دهد.

به طور کلی، بیشتر پژوهش‌های انجام شده، ناظر بر گریه و عزاداری از حیث ماهوی و نقش، ضرورت و جایگاه آن از منظر آیات و روایات است؛ اما سه‌گانه مورد نظر این پژوهش یعنی بررسی اصل مسئله گریه، گریه بر امام حسین علیه السلام و عزاداری، نمایانگر وجوه تمایز آن با دیگر آثار مشابه است. این وجوه تمایز از چند نظر قابل توجه است:

- ادعای فطری بودن عزاداری؛
 - بررسی نقلی عزاداری با تفکیک عمومیت و تخصیص آن با استناد به روایات اهل سنت؛
 - پردازش مسئله انحرافات در عزاداری با توجه به کثرت سبک‌های عزاداری.
- بنابراین، وجوه تمایز را می‌توان با ارجاع به محتوا و مدعا ملاحظه کرد؛ مطالبی که یا بررسی نشده و یا کمتر بررسی علمی شده‌اند.

۱. بررسی عزاداری مبتنی بر ادله عقلی

۱.۱. عزاداری از منظر تحلیل عقلی

به طور کلی، دلیل عزاداری از دو نظر قابل بررسی است: بعد روانی، عاطفی و احساسی و بعد شناختی. بررسی بعد اول به حس و امور محسوس باز می‌گردد؛ لذا اگر آن چه را که در کربلا گذشته، برای مردم عالم واگویی کرد، به دلیل همان حس و عاطفه انسانی، قلب همگان جریحه دار می‌شود. این مطلب در جای خود صحیح است؛ اما دلیل عزاداری در بعد شناختی، بدست آمده از تعریف مختار عقل است. بنا به یک رویکرد عام، عقل بر دو نوع: مقدس، مشروع یا متلازم با شرع^۱ به استناد قاعده تلازم میان این دو و اصل فطرت؛ و دیگری عقل نامقدس و نامشروع^۲ است.

عقل نامقدس یعنی آن چه را من می‌بینم، یقین می‌کنم؛ پس ندیدن، دلیل بر نبودن است. بر این اساس، به مرور زمان که عزیزی از دنیا می‌رود، به فراموشی سپرده می‌شود و پس از یک یا چند دهه، خاطرات باقی مانده از آن فرد نیز صرفاً به حسب نوع ارتباطی که بوده، حفظ می‌گردد.

1. Holy Rationality

2. Rationality Unholy

این نوع عقل، فرمانده ابراز تأثرات در مرگ عزیزان نیست؛ بلکه فطرتاً آدمی را به سمت خود می‌کشاند. حال سوال این است که از منظر ادله عقلی چگونه ماجرای کربلا پس از گذشت ۱۴۰۰ سال هم چنان به قوت خود باقی است و هر سال نیز شور و شعور آن رو به فزونی می‌رود! افزون بر آن که گستره تأثیرات فرهنگ عاشورایی تنها منحصر به شیعیان و مسلمانان هم نیست؛ بلکه قرن‌های متمادی است که فرق و ادیان دیگر مثل زرتشتیان، کلیمیان، آشوریان، ارمنیان و حتی آتش پرستان هندو نیز در این ایام، حزین و ماتم زده می‌شوند. به تعبیر مرحوم شیخ عباس قمی، از زمان سلطنت دیالمه تاکنون، در همه سال لوای تعزیه داری این مظلوم [امام حسین علیه السلام] در شرق و غرب عالم برپاست (قمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۸۸).

به نظر می‌رسد این گستردگی، به عمق مصیبت و پیام‌های فرهنگ عظیم عاشورا باز می‌گردد. بنابراین هر انسانی، مسلمان یا غیر مسلمان، با شنیدن ویژگی‌ها و سرگذشت این گروه، بی‌اختیار به آنان عشق می‌ورزد و دل‌باخته ایشان می‌شود. بسیاری کسانی که از سایر ادیان و مذاهب، شیفته سیدالشهداء علیه السلام می‌شوند. بعضی زرتشتیان در ایام محرم عزاداری می‌کنند و با شنیدن نام مبارک امام حسین علیه السلام نشانه‌های تأثر در چهره‌هایشان نمایان می‌گردد. حتی بت پرستان، در سرزمین هندوستان، به سرور شهیدان مهر می‌ورزند و در روزهای تاسوعا و عاشورا عزاداری می‌کنند؛ هم چنان که در بسیاری از شهرهای هندوستان، شب‌های تاسوعا و عاشورا، هندوان بت پرست، آتش روشن می‌کنند و به یاد امام حسین با پای برهنه وارد آتش می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۵). این در حالی است که در جریان کربلا، نهایت آن چه دشمن درصدد انجام آن برمی‌آید، همانا مضروب و مجروح کردن و اهانت بر کشته و مقتولی است که روی زمین افتاده است؛ اما بدن را زیر سم اسب در هم شکستن، سرها را از تن جدا کردن و بر سر نیزه‌ها قراردادن و در جاهای مختلف گرداندن و بعد از ۲۰۰ سال نبش قبر کردن، از جمله امور بسیار زشت و رقت‌انگیز است که بی‌اختیار موجب جاری شدن اشک می‌شود (شوشتری، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

در عین حال به نظر می‌رسد وزنه شور عاشورایی، سنگینی معنادارتری از شعور آن دارد و شاید بتوان این معنا را در فضای آماری آن نیز مشاهده کرد. در این میان، هرچند صرف شور نیز

محاسن بسیاری دارد؛ اما عدم به‌کارگیری قوه ادراک و شعور متبادر و متوالی، زمینه کج فهمی و سوء تدبیرهای بسیاری ایجاد می‌کند که به کرات در تاریخ مشاهده شده است. به همین منظور، فرمانی که از عقل اول صادر می‌شود، زمینه معرفت به عوامل شناختی را ایجاد می‌کند و این به معنای شناخت عظمت ماهوی آن چیزی است که در کربلا به وقوع پیوسته است. لذا آن گریه و عزاداری، روال حقیقی خود را پیدا خواهد کرد و این چنین شناختی دیگر نیاز به روضه خواندن برای گریه ندارد و اعلا مرتبه این شناخت را امام عصر عجل الله تعالی فرجه دارند که می‌فرمایند:

«فَلَيْنَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُقْدُورُ وَمَ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلَيْنَ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَلَا بَكِيَّةً لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسَفًا عَلَي مَا دَهَاكَ»؛ (فرازی از زیارت ناحیه مقدسه)

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و دور ماندم از یاری تو و نبودم تا با دشمنان تو بجنگم و با بدخواهان تو پیکار نمایم، هم اکنون هر صبح و شام بر شما اشک می‌ریزم و به جای اشک در مصیبت شما خون از دیده می‌بارم و آه حسرت از دل پردرد بر این ماجرا می‌کشم.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که اگر به تمام کارکردهای نفسی عقل جواب داده شود، به راحتی و به صورت فطری به عزاداری برای حسین شهید تمایل دارد؛ چون این عقل پس از تجزیه و تحلیل به این اعتقاد رسیده است که اگر آن حرکت عاشورایی نبود، اکنون اسلامی در کار نبود و همین الگوی عربستانی اسلام که ترجمان اسلام آمریکایی است، ملاک و معیار می‌شد که این نهایت فاجعه و توهین به بشریت و فلسفه تاریخ بود.

۱.۲. بررسی وجدانی عزاداری از منظر عقل

بارها مشاهده شده که پس از فوت و فقدان یکی از عزیزان - از پدر و مادر گرفته تا دیگر بستگان و دوستان و آشنایان - بدون آن که بخواهیم، از مرکز فرماندهی عقل و با مساعدت حس، دچار غم و اندوه و تأثر و گریه شده و حتی به سر و سینه زدن و صورت خراشیدن و مویه کردن می‌پردازیم. ممکن است با مشاهده این وضعیت طبیعی دو اشکال وارد کنند:

اول اینکه اگر عقل فرمان می‌دهد، چرا کار غیر عقلانی مثل یقه چاک کردن انجام می‌شود؟

و دیگر اینکه وجه تسمیه این عزاداری چگونه با عقل جمع می شود؟

پاسخ آن است که عقل به حسب خدماتی که انجام شده، خوبی هایی که دیده شده، رفتار و گفتار و کردار نیکی که بوده و یا هر دلیل مقتضی دیگر، حکم به ناراحتی و عزاداری در فراق عزیز از دست رفته می دهد؛ اما این حکم عقل، مقطعی است و اگر پس از سال ها ادامه یابد، حتی اگر مرحوم، فرزند خانواده یا پدر و مادر و همسر نیز باشد، به حسب مرور زمان و تحلیل عقل، که مرگ سرگذشت همه و منتقل کننده از نشئه ای به نشئه دیگر است و همه باید روزی از دار دنیا بروند، پس از مدتی که حکم به تأثر داده بود، حکم به رفتاری منطقی برای ادامه زندگی معمول گذشته می دهد. توضیح این که عقول، تحت اراده الهی اند؛ چرا که در همان فراق عزیزان نیز اگر اراده الهی نباشد، آدمی نمی تواند کسی را که سال ها با او عاشقانه زندگی کرده است، فراموش کند؛ اما اصلی به نام گذر زمان قرار داده شده و این گونه خدای متعال، آدمی را به صبر و تحمل هدایت می کند.

۵۵

نامه جامع

در این میان، مقوله کربلا و آن چه بر امام حسین گذشت، مطلبی عجیب است که با فراق عزیزترین عزیزان انسان نیز قابل مقایسه نیست؛ لذا هر چه بیشتر از این ماجرا می گذرد، باز هم نمی توان با هر تحلیل عقلی، شور و شعور ناشی از تأثر و نگرانی آن را پاسخ داد و حادثه سال ۶۱ هجری را به فراموشی سپرد. به نظر می رسد اگر آن چه در کربلا گذشت، بر هر انسان آزاده ای با هر دین و آیینی حتی لائیک درست و مستند گفته شود، بعید است از شدت مصیبت آن به تأثر نیفتد و قلبش شکسته نشود؛ البته تبیین این مطلب، نیازمند تحقیقی مستقل است.

۲. بررسی مسئله به لحاظ ادله نقلی

۲.۱. نگاهی اجمالی به آیات قرآنی

توجه و دقت در آیات قرآن کریم، که مورد وفاق فریقین است، اثبات گر نگاهی مطابق فطرت انسانی و احساسی به مقوله اقامه عزا و به سوگ نشستن در غم از دست دادن عزیزان یا هجر آن هاست. نظر به این که تبیین این مطلب، خارج از اهداف پژوهش است، در این بخش به بیانی اجمالی از این بحث می پردازیم. پیش از بیان نمونه ای از این دسته آیات، به عنوان

مقدمه به دو آیه اشاره می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (اعراف: ۲۰۴)؛ هنگامی که قرآن تلاوت

می‌شود، گوش فرا دهید، باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید.

از جمله تفاسیر از این آیه، این است که ابتدا وقتی کسی سخنی می‌گوید باید آن را آرام و با متانت گوش کنیم و سپس با او بر مبنای استدلال و منطق به گفتگو بنشینیم تا به نظر برتر دست یابیم. حال چگونه ممکن است به این هدف دست یابیم در حالی که وهابیت که خود را به اهل تسنن منتسب می‌کند و افکارش را برگرفته از اندیشه‌های احمد بن حنبل دانسته و معتقد است مناظره در امور ایمانی حرام است؛ طبعاً این با مبانی قرآنی، ناسازگار است. (ر. ک: سبحانی، ۱۳۷۸، ج ۴-۳)

آیه دیگر آیه‌ای است که به گریه یعقوب در فراق فرزندش اشاره دارد: ﴿... قَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُونُسَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (یوسف، ۸۴)؛ یعقوب گفت: وا اسفا بر یوسف و چشمان او از اندوه سفید شد؛ در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد.

در قرآن کریم می‌فرماید حضرت یعقوب علیه السلام سال‌ها در فراق فرزندش گریه کرد تا آن جا که چنین توصیف شده است: ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ﴾؛ یعنی از شدت این غم، بینایی‌اش را از دست داد؛ لذا بدست می‌آید که صرف گریه کردن، امری مذموم نیست.

بیان این نکته نیز لازم است که یعقوب نبی به حکم پیامبریش می‌دانست فرزندش زنده است؛ (ر. ک: یوسف، ۹۶-۹۵، ۸۶ و ۸۳) لذا با توجه به این اصل که پیامبران معصوم‌اند و کار بیهوده نمی‌کنند و در عین حال، او سال‌ها در فراق فرزند زنده‌اش عزادار ماند؛ خدای متعال به مثابه عبرت، موضوع را مطرح می‌کند.

۲.۲. اسناد روایی اهل سنت

۲.۲.۱. روایات دال بر مشروعیت عمومی گریه

در مصادر معتبر اهل تسنن، روایات فراوانی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حاکی بر جواز شرعی گریه و عزاداری نقل شده است که تنها به بخشی از این سلسله روایات اشاره می‌شود:

- از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که در فراق فرزندش ابراهیم فرمودند: چشم گریه می‌کند و دل غمگین و محزون می‌شود؛ ولی سخنی نمی‌گوییم، مگر آن چه که خدا را راضی کند. ای ابراهیم! ما در فراق تو محزون و غمگین هستیم (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۵ و مسلم، ۱۴۵۳، ج ۴، ص ۱۸۰۸).
- ملاحظه متن روایت، نمایان‌گر جواز مشروعیت گریه و حزن بر فراق عزیزان است.
- رسول خدا ﷺ برای تشیع جنازه‌ای خارج شدند و به همراه ایشان نیز خلیفه دوم حاضر بود. در این حال، صدای زنان به گوش رسید که گریه می‌کردند. خلیفه دوم با شدت با آن‌ها برخورد کرد که پیامبر به او فرمود: آن‌ها را رها کن که چشم، اشکبار است و جان‌ها مصیبت زده و تازه عزیزی از دست داده‌اند. (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۴۴ و ابن ماجه، ۱۹۴۳، ج ۱، ص ۵۰۵).
- چگونه ممکن است انسانی که عزیزی را از دست داده است، در فراق او با اشک و آه و مویه، تسلی دل داغدارش نباشد؛ لذا سفارش شده دیگران نیز به فرد مصیب زده تسلی بدهند (ر.ک: قمی، ۱۳۴۴، ج ۲، صص ۵۵۵-۵۵۷ ذیل ماده موت) و حتی این تسلی، گاهی توسط ذات اقدس اله محقق می‌شود (ر.ک: بقره: ۱۵۵-۱۵۷).
- زمخشری مفسر، زبان‌شناس، ادیب و خطیب قرن ششم هجری و صاحب تفسیر کشاف می‌گوید: چشمان حضرت یعقوب از فراق یوسف تا زمان ملاقات یوسف، از اشک خشک نگردید و این مدت، ۸۰ سال به طول انجامید و در روی زمین چیزی از این کار برای خداوند ارزشمندتر نبود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۹).
- درک این مضمون با توجه به ویژگی‌های روحی انسانی و با تأمل در خصایص فطرت انسانی، قابل درک و تحلیل است؛ چه این که وقتی سال‌ها زندگی در کنار عزیزی صورت می‌پذیرد، فراقش به طور طبیعی و عمومی سبب برافروختگی و کم‌طاقتی انسان می‌شود؛ همان طور که تحقق این پدیده حتی برای پیامبران الهی نیز به همین سیاق بوده است.
- در روایتی رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسید:

به خاطر غیاب یوسف، چه بر سر یعقوب آمد؟ عرض کرد: به اندازه آن چه که بر سر ۷۰ مادر فرزندمرده می‌آید. سؤال نمود: اجر حضرت یعقوب به خاطر این صبر، چقدر است؟ عرض کرد: اجر ۱۰۰ شهید و این در حالی بود که هرگز یعقوب به خداوند، سوءظن پیدا نکرد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۹).

به این قرینه، بی‌تابی و عزاداری در فراق عزیزان، نه تنها عیب به شمار نمی‌رود، بلکه در منطق و حیانی، موجب ارتقای مقامات معنوی نیز خواهد شد؛ البته در صورتی که منجر به تمرد از تعالیم الهی و یا موجب ناشکری به درگاه ربوبی نشود.

- قرطبی مفسر قرن هفتم هجری می‌نویسد:

یوسف نبی وقتی به زندان افتاد، با گریه او، در و دیوار و حتی سقف زندان گریه می‌کرد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۸۸).

این مطلب، جدا از تحلیل و تفسیرهای متربط بر آن، حاکی از عظمت و اوج حزن و غم است.

- علی بن برهان الدین حلبی مورخ، ادیب، فقیه و عالم علوم عقلی و نقلی سده یازدهم هجری در سیره خود می‌نویسد:

پیامبر چون پیکر خونین حمزه را یافت، گریست و چون از مُثله کردن او آگاهی یافت، با صدای بلند گریه سر داد (حلبی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۴۷).

بنا بر شواهد فوق، جواز گریه کردن و حتی با صدای بلند گریستن نیز در سیره انبیای الهی و بزرگ‌ترین مخلوقات ذات اقدس اله، مطلبی غیر قابل انکار است.

۲،۲،۲. روایات دال بر مشروعیت گریه بر امام حسین علیه السلام در منابع روایی اهل سنت

- سلمی بنت عمیس همسر حمزه بن عبدالمطلب می‌گوید:

برام سلمه همسر رسول اکرم وارد شدم، در حالی که ایشان گریه می‌کرد. عرضه داشتم: چرا گریانید؟ ایشان گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم در حالی که موهای سر و محاسن ایشان خاک آلود بود. عرضه داشتم: یا رسول الله! شما را چه شده است؟ فرمودند: هم اکنون شاهد کشته شدن حسین بودم (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۹۵).

- عایشه از همسران رسول اکرم و دختر خلیفه اول می‌گوید:

حسین بر رسول الله وارد شد، در حالی که پیامبر در حال شنیدن وحی از جبرئیل امین بود. جبرئیل پرسید: یا محمد! آیا حسین را دوست داری؟ فرمود: چرا فرزندم را دوست نداشته باشم؟ جبرئیل گفت: امت تو او را بعد از تو می‌کشند. سپس جبرئیل دستش را دراز کرد و خاکی سفید آورد و گفت: فرزندت را در سرزمینی که طف نام دارد، می‌کشند. رسول خدا با چشمانی پر از اشک به جمع اصحابش علی، عمر، عثمان، حذیفه بن یمان، عمار بن یاسر و ابوذر غفاری پیوست. یاران رسول خدا با مشاهده حضرت پرسیدند: چه چیزی شما را به گریه آورده است؟ فرمود: جبرئیل مرا از شهادت فرزندم حسین در سرزمین طف آگاه کرد و این خاک را هم از همان سرزمین برایم آورده است؛ جایی که محل دفنش خواهد بود (طبرانی، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۱۰۷۰ و ابن عساکر، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۶۰).

- بنا به نقلی دیگر، علی بن ابوبکر هیثمی از علمای اهل سنت در سده نهم هجری به نقل از عایشه می‌گوید:

رسول خدا گریان به جمع اصحابش که علی، عمر، عثمان، حذیفه بن یمان، عمار بن یاسر و ابوذر غفاری بودند پیوست. یاران با دیدن حضرت پرسیدند: چه چیزی شما را به گریه درآورده است؟ فرمود: جبرئیل مرا از شهادت فرزندم حسین در سرزمین طف با خبر ساخته است؛ جایی که محل دفنش خواهد بود (هیثمی، ۲۰۰۹، ج ۹، ص ۱۸۷).

- از ابن عباس، مفسر قرن اول هجری روایت شده است:

- هنگامی که حسین دو ساله شد، نبی اکرم در مسافرت بود. در میانه راه توقف کرد و استرجاع ﴿انا لله وانا الیه راجعون﴾ گفت و اشک از چشمان حضرتش جاری شد. از علت این اقدام حضرت سؤال کردند، حضرت فرمود: جبرئیل هم اکنون به من خبر داد از سرزمینی در ساحل فرات که به آن کربلا گفته می‌شود و در آن جا فرزندم حسین بن فاطمه به شهادت می‌رسد. گفته شد: یا رسول الله! چه کسی او را می‌کشد؟ فرمود: شخصی که به او بیزید گفته می‌شود ﴿لا بارک الله له فی نفسه﴾؛ و گویی که او را در قتلگاهش می‌بینم در حالی که سر او را به هدیه می‌برند. والله! کسی نیست که به سر بریده فرزندم حسین نظر افکند و خشنود گردد،

مگر این که خداوند بین قلب و زبانش جدایی بیاندازد (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۳۲۵).

- هم چنین بنا به نقل دیگر:

هنگامی که نبی اکرم از سفر بازگشت، مغموم و حزین به منبر رفت و برای مردم خطبه خواند و موعظه فرمود و این در حالی بود که حسین بن علی به همراه برادرش حسن نزد رسول خدا حاضر بودند. وقتی حضرت از خطبه فارغ شد، دست راستش را بر سر حسن و دست چپش را بر سر حسین گذارد و سر به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! من محمد بنده تو و پیامبرت هستم و این دو از بهترین عترت و ذریه و جانشینان من در روی زمین هستند؛ خدایا! جبرئیل به من خبر داده که این فرزندم مقتول و مخذول خواهد گردید؛ خدایا! قتلش را برایش آسان گردان و او را سرور شهداء قرار بده که تو بر هر کاری توانا و قادری؛ خدایا! قاتل او را مبارک نگردان. در این حال تمام مردم در مسجد به ضجه و گریه افتادند. نبی اکرم فرمود: آیا گریه می‌کنید و او را یاری نمی‌کنید؟ خدایا! تو او را ولی و ناصر باش. ابن عباس می‌گوید: سپس رسول خدا ﷺ مجدداً بازگشت و با رنگ پریده و صورتی گلگون، خطبه بلیغ و موجزی خواند و این در حالی بود که چشمان آن حضرت پر از اشک بود. سپس فرمود: ایها الناس! من در میان شما، ثقلین یعنی کتاب خدا و عترتم و مایه راحت جانم در مرگم و میوه دلم را به جای گذاردم و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض [کوثر] به من ملحق شوند. بدانید که من از شما در مورد آنان همان را می‌خواهم که خداوند مرا به آن امر ساخته و آن، مودت درباره نزدیکان من است. مراقب باشید که مرا در کنار حوض ملاقات نکنید و حال آن که در حق عترت و ذریه‌ام ظلم کرده باشید. آگاه باشید که جبرئیل مرا باخبر ساخت که امت من فرزندم حسین را در سرزمین «کرب و بلا» به شهادت می‌رسانند. بدانید که لعنت خدا تا روز قیامت بر قاتل اوست. ابن عباس می‌گوید: سپس پیامبر از منبر پایین آمد و دیگر کسی از مهاجر و انصار باقی نماند، جز این که یقین کرده بود حسین به قتل خواهد رسید (ابن اعثم کوفی، ۱۹۹۱، ج ۴، ص ۳۲۵).

- در «المستدرک علی الصحیحین» و «تاریخ ابن عساکر» از مصادر معتبر اهل سنت از ام الفضل

بنت الحارث نقل شده است:

ام فضل خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: یا رسول الله! دیشب خواب بدی دیدم. حضرت فرمود: چه خوابی دیدی؟ گفت: خواب بدی بود؛ مانند این که قطعه‌ای از بدن تان را بریدید و در آغوش من گذاردید. حضرت فرمود: خیر است. فاطمه ان شاء الله فرزندی به دنیا می‌آورد و او را در آغوش تو قرار می‌دهد. بعد از مدتی فاطمه، حسین را به دنیا آورد و همان‌گونه که پیامبر فرموده بود، در آغوش من قرار گرفت تا این که روزی خدمت حضرت رسیدم و حسین را در آغوش حضرت گذاردم. حضرت به من التفاتی کرد و چشمانش پراز اشک گردید. عرض کردم: یا نبی الله! پدر و مادرم فدایتان، چه شده است؟ حضرت فرمود: جبرئیل نزد من آمد و مرا باخبر ساخت که امت من به زودی این فرزندان را می‌کشند. عرض کردم: همین حسین را؟ فرمود: آری! و این هم مقداری از خاک و تربت سرزمین [کربلا] است. حاکم بعد از نقل این روایت می‌گوید:

این حدیث شرایط صحت را نزد شیخین [بخاری و مسلم] دارا است؛ ولی آن دو این روایت را نیاورده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵، ج ۳، ص ۱۷۶ و هبثمی، ۲۰۰۹، ج ۹، ص ۱۷۹).

۲،۲،۳. بررسی و تحلیل

آیا از این مجموعه روایات استنباط نمی‌شود که گریه بر فراق عزیز از دست رفته، به حسب حزن و اندوهی است که بر دل، سنگینی می‌کند؟ حال اگر مجموعه خاندان آخرین پیامبر خدا که پیامبران الهی وعده آمدنش را داده بودند و همه او را مقدم بر خود می‌دانستند، توسط امت همان پیامبر کشته شوند، گریه کردن و عزاداری جرم و بدعت است؟ با لحاظ این مطلب که کیفیت شهادت امام حسین نه تنها فجیع بود و نه تنها مظهر یک فداکاری عظیم و بی‌نظیر است؛ در عین حال، حادثه بسیار عجیبی از نظر توجیه علل روحی قضیه است. این قضیه ۵۰ سال بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ واقع شده به دست مسلمانان و پیروان رسول اکرم ﷺ و مردمی که معروف به تشیع و دوستی آل علی علیهم‌السلام بودند و واقعاً هم به آل علی علاقه داشتند، آن هم در زیر پرچم کسانی که تا سه چهار سال قبل از وفات پیامبر ﷺ با او جنگیدند و عاقبت که مردم دیگر مسلمان شدند، آن‌ها هم اجباراً و ظاهراً مسلمان شدند (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۵). این فاجعه در ماه حرام اتفاق افتاد، آن هم بدون رعایت کوچک‌ترین آداب جنگی که حتی

توسط کفار نیز رعایت می‌شد. با بستن آب، با آتش زدن خیمه‌ها، با بیش از ۳۰ هزار نفر مقابل تنها ۷۲ نفر، با انواع سلاح‌های مجهز آن زمان و تیرهای سه شعبه سمی و هزار معصیت ذکر شده به استناد تواریخ که تا انسان، انسان است اگر از مصیبت آن گفته شود، تمام نخواهد شد. جنایات فجیعی که با نام دین و اسلام و پیامبرانجام می‌شد و سرانجام ۷۲ نفر از بهترین بندگان خدا را به شهادت رساندند و سرها به نیزه کردند و به جشن و پایکوبی پرداختند و اهل حرم آل‌الله را در هنگام عبور دادن اسرای واقعه کربلا به شام و مدینه با نام خارجی - به معنای خارج شده از دین حنیف - شهر به شهر گرداندند. آیا از آیات و روایات، استنباط نمی‌شود که علت عزاداری و گریه یعقوب بر فرزندش - با علم به زنده‌بودن او - یا گریه حضرت سید الساجدین علیه السلام در فراق خاندان مطهرش، ناشی از فطری بودن عزاداری در نهاد انسان است؟

۳. کیفیت عزاداری حسینی و حدود و ثغور انحرافات

یکی دیگر از مباحث مهم گریه بر امام حسین به طور خاص و کلیت عزاداری حسینی به طور عام، بررسی مقوله کیفیت این نوع عزاداری هاست که می‌تواند به عنوان مدخلی برای بحث‌های مرتبط آینده باشد؛ به ویژه آن که این بحث با وجود سبک‌های متعدد عزاداری در میان اقوام و مذاهب مختلف و تعدد هر ساله آن، می‌تواند محکی مناسب در مسیر تمیز سبک‌های مشروع و مجاز با انحرافات در عزاداری‌های امام حسین علیه السلام ارائه دهد. در یک نگاه کلی تفاوت در سبک‌های عزاداری در راستای تفاوت در روش‌ها است و موضوعیت معنایی در محتوا ندارد؛ به این معنا که همه برای یک هدف مقدس یعنی همان عزاداری و گریه بر سیدالشهداء است که از روح فطری حق پرستی در نهاد انسان‌ها نشأت گرفته است و از قضا نماد وحدت شیعیان است و جوامع منصف مسلمان را با خود همراه می‌کند، لذا بدعتی در کار نیست.

ابن حجر عسقلانی از علمای شافعی می‌گوید:

هر چیز جدیدی که ریشه شرعی نداشته باشد، در عرف شرع، بدعت نامیده می‌شود و هر

چه که ریشه و دلیل شرعی داشته باشد، بدعت نیست (ابن حجر، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۲۱۲).

به طور کلی، درباره گریه بر امام حسین علیه السلام دلایل عقلی و روایی معتبری وجود دارد که اگر بنا بر انکار و رد باشد، باید در تمام عمر به رد احادیث و ادله پرداخت.^۱

از طرف دیگر، با توجه به این که کثرت سند، بر صحت موضوع دلالت می‌کند و نیز اثبات شیئی نفی غیر خود نمی‌کند؛ به این مطلب رهنمون می‌شویم که عزاداری و گریه، امری قطعی بر اساس روایت و عقل است؛ البته نه به این معنا که همه انحرافات و اضافات بدعت‌زا نیز پذیرفتنی باشد. به منظور درک بهتر مسئله انحرافات، توجه به دو فراز زیر لازم است:

برخی سنت‌های نادرست در عزاداری سالار شهیدان راه یافته است و در دسته روی‌ها، علم سنگین و بی‌خاصیت بر دوش کشیده می‌شود. این کار نه خردمندانه است و نه در قرآن و روایات به آن توصیه شده است. در عزاداری امام حسین علیه السلام اشک و آه و ناله و بر سر و سینه زدن آگاهانه، انسان ساز است و از آهن سنگین و سرد، کاری بر نمی‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵).

حمل آهن‌های سرد و علم‌گردانی‌های بی‌خاصیت... نمادی از کربلای آمریکایی است و به جایی راه نمی‌برد... کربلای آمریکایی، مایه تحجر و واپس‌گرایی است (همان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱).

بنابراین، هر سبک از عزاداری به دلیل دخالت عوامل انسانی، که در منطق اسلامی فاقد عصمت الهی هستند و از نگاه عقل ممکن است اشتباهاتی مرتکب می‌شوند، قابل بررسی است و از این روست که انحرافات بی‌نام دین در عزاداری‌ها صورت می‌گیرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، عمل غیر عقلایی قمه‌زنی است که اکثر علمای شیعه حمل بر بدعت بودن آن کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمودند: کار غلطی است که عده‌ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می‌کنند که چه بشود؟ کجای این حرکت،

۱. از جمله احادیث مشهور نزد شیعیان، می‌توان به سه روایت زیر اشاره کرد:

- «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَدْرُغُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»؛ (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۵) من کشته اشکم؛ هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر این که اشکش جاری شود.

- «يَا أَيُّهَا شَيْبِ بْنِ كُنْتُ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»؛ (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۵۰۳) ای پسر شیبیب! اگر برای چیزی گریه ات گرفت، برای حسین بن علی گریه کن.

- «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحْطُ الذُّنُوبُ الْعِظَامُ»؛ (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹۹) پس بایستی گریه‌کنندگان بر مثل امام حسین گریه کنند و بدانند که گریستن بر حسین، گناهان بزرگ را می‌ریزد و انسان را پاک می‌کند.

عزاداری است؟ قمه زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک خدا هم از انجام آن راضی نیست. این کار، قطعاً خلاف است. قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است (امام خامنه‌ای، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳).

هم چنین توجه به این نکته مهم ضروری است که:

قمه زنی و زنجیرزنی و بلندکردن طبل و شیپور از ارتدکس‌های قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه مردم، برای پذیرفتن این‌ها آمادگی داشت، مثل برق شایع شد (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳).^۱ حتی برخی مانند علامه فضل‌الله از علمای برجسته لبنان با نگاه تندتری معتقد است:

قمه زنی و بر سر و زنجیرزدن بر پشت؛ حتی سینه زنی‌های خشن که ضررهای هرچند بی‌خطر برای انسان به همراه داشته باشد، حرام است (فضل‌الله، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵).

سایر روش‌های رایج مثل ساز و دهل مخصوص عزاداری، مراسمی با عنوان چهل منبری و چهل و یک منبری، نخل برداری، حمل پرچم و علم‌گیری، سنج زنی و طبل زنی، طشت‌گذاری در مناطق آذری نشین، حاجت خواستن از اشیاء و شمع زنی، دخیل بستن، استعمال آلات لَهو، سوارکردن زنان بر هودج در حالی که رویشان باز است، فریاد زنان که به گوش مردان می‌رسد، فریاد با نعره‌های منکر، سفره به نام یکی از اولیاء الله و... نیز سند روایی ندارند؛ هرچند مورد آخر را به قصد رجاء و به شکل سنتی مراسم روضه، می‌توان برگزار کرد.

اما مراسم و برنامه‌های دیگر از جمله موارد زیر معتبر و دارای سند روایی و حاکی از برنامه‌ای الهی و حرارتی سردناشدنی اند (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۱۸)^۲ برای کسی که خود را «قتیل العبرة»^۳ معرفی می‌کند:

- اقامه مجالس عزا (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۹۲ و معزی ملایری، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۱۷۵).

۱. برخی نیز معتقدند سینه زنی در زمان آل بویه (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱۱، صص ۲۶۲-۲۶۱)، زنجیرزنی در زمان صفویه (ر.ک: شهرستانی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۴) و یا از هندوستان و پاکستان به ایران آمده است. (ر.ک: گروه مؤلفان، ۱۳۹۲، ش ۱۳، ص ۱۷۵)

۲. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ همانا شهادت حسین آتشی در دل مؤمنان در انداخته است، که هرگز سرد نخواهد شد.

۳. «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۱۳۷) من کشته اشکم؛ مؤمنی از من یاد نمی‌کند جز این‌که می‌گیرد.

- روضه خوانی و مقتل خوانی و وایلاگفتن، شعرگفتن و مرثیه سرایی و نوحه خوانی (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۴۶۷ و معزی ملایری، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۵۶۷).
 - خاک بر سر ریختن، لطمه زدن و بی هوش شدن (ر.ک: مفید، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲، زیارت ناحیه مقدسه).
 - جزع، ضجه و ناله زدن (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۹۸، ص ۸).
 - سرخه (شیون شدید) (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۸۲ و ابن قولویه قمی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۷).
 - گریه و تباکی (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۸۲ و ۲۸۰ و ۲۴۱ و نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۱۹).
 - نصب پرچم های مشکی یا لباس مشکی پوشیدن (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷، ج ۱۶، ص ۲۲).
 - عتبه بوسی (بوسیدن آستان و درب حرمین شریفین) (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۵۷).
 - غذادادن به خانواده مصیبت دیده به یاد مصائبی که بر خاندان اهل بیت در مسیر طی شده اسارت وارد شده بود (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۷).
 - تعطیلی درس و بحث و بازار (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۰۵، ص ۳۲۰).
 - زیارت رفتن (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳۳).
 - زیارت و پیاده روی اربعین (ر.ک: مقرر، ۱۳۹۵، صص ۳۹۴-۳۸۵ و ابن قولویه، ۱۴۱۷، ص ۱۳۴).
 - قربانی دادن، نذری و اطعام زوار (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۲۸۷).
 - سقاییت (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۳، صص ۵۶۷-۵۶۳).
- بیان این نکته نیز لازم است که گِل مالیدن به خود در رثای سالار شهیدان، سیره بعضی از علمای شیعه از جمله آیت الله سیدحسین بروجردی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیدابوالحسن اصفهانی^۲ و پابرهنگی سیره میرزای قمی، میرزای شیرازی، میرزاحمدحسین نائینی، سیدجمال گلپایگانی، سیدمحمد هادی میلانی، [میرزاجواد تبریزی، لطف الله صافی گلپایگانی، حسین وحید خراسانی] و... بوده است (ر.ک: امینی اصل، ۱۳۹۳).

۱. به روایتی از امام صادق، زیارت امام حسین نه تنها وارد شده؛ بلکه برای شیعیانش، واجب قرار داده شده است: «زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يُقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ زیارت حسین بن علی بر هر کسی که به امامت ایشان از طرف خدای عزوجل اقرار دارد، واجب است.

۲. منطق این فعل در به گل افتادن سیدالشهداء در گودی قتلگاه و سایر اصحاب حضرت است؛ لذا این رسم گل مالی که مختص مناطق غربی و لرزشین کشور است، به سبب تشبه به مطلب بیان شده می باشد.

تعزیه نیز از دیگر روش‌های آمیخته با قالب‌های هنری است که به نمایش نمادین مصایب وارد شده بر آل الله ﷺ می‌پردازد.

بنا به همین قرائین است که برخی از علما در سیره خود، مداومت بر قرائت زیارت عاشورای روزانه دارند و نیز در دو ماه محرم و صفر، هر شب در مجلس رثای اباعبدالله ﷺ شرکت می‌کنند و یا این دو ماه را لباس مشکی می‌پوشند.

به نظر می‌رسد برهنه شدن در هنگام سینه زنی نیز با وجود مخالفت برخی مراجع نسبت به آن،^۱ با توجه به همان معیار کلی که «هر عملی چنان چه مفسده‌ای داشته باشد و موجب وهن دین مبین شود، اشکال دارد» و با علم به عواقب آن و نیز لحاظ مسائل بهداشتی، نیازمند تأمل و مذاقه جدی است. امام خامنه‌ای در پاسخ به استفتائی در این زمینه می‌فرماید: در صورتی که نامحرم نباشد و مستلزم مفسده نباشد، برهنه شدن و سینه زدن جایز است؛ ولی مناسب است با لباس عزاداری انجام بگیرد.^۲

در مجموع، روش‌های عزاداری به مثابه سبک‌ها و روش‌هایی هستند که نمی‌توان آنها را بدون دلیل و برهان، حمل بر بدعت کرد؛ چون بنای اصولی برای اثبات برائت شرعی در حدیث حَلِّ، به استناد قاعده مباح بودن امور تا قبل از اثبات وهن آن می‌باشد^۳:

«كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ»؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۶۰) همه چیز برای تو حلال هست؛ مگر این که یقین پیدا کنی که برایت حرام است.

لذا هر کدام از سبک‌های خاص عزاداری، تا زمانی که حمل بر وهن مذهب و یا جدای از مبانی اولیه شرع نباشد، صحت بدعت را اثبات نمی‌کند؛ این رأی عقل مقدس و نظر اجماعی علمای دینی است.

بنابراین در بررسی این مطلب، باید مراقب القائات شیطانی یعنی تشکیک در عزاداری‌های

۱. مردانی که می‌دانند زنان به بدن آن‌ها نگاه می‌کنند، جایز نیست لخت شوند. (آیت الله فاضل لنکرانی)؛ در صورتی که زنان حضور داشته باشند، این کار حرام است؛ و اگر زنان هم نباشند اشکال دارد. (آیت الله مکارم شیرازی)؛ در صورتی که مصون از نگاه نامحرمانه - نه خصوص نامحرم - باشد، اشکال ندارد. (آیت الله جوادی آملی)؛ (<https://www.mashreghnews.ir>)

۲. امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲، استفتاء ۷۸۰۸۰.

۳. رک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹۱ و ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹۸.

معقول و تأیید عزاداری های مجعول بود؛ چه این که شیطان همواره به دنبال ایجاد فضای تشکیکی و انحرافی است؛ همان طور که از زبان او پس از واقعه عاشورا چنین آمده است:

«فَأَجْعَلُوا شَعْلَكُمْ بِتَشْكِيكِ النَّاسِ فِيهِمْ» (بحرانی، ۱۴۲۹، ص ۳۶۸ و مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲۸، صص ۵۸-۵۹) [خطاب به سایر شیاطین] تا می توانید مردم را به شک اندازید و از این مصیبت بازدارید تا زحمت من به هدر نرود.

نتیجه گیری

یعقوب نبی در فراق فرزند زنده اش سال ها بی تابی کرد؛ یعنی پیامبر عصر در عین این که یازده پسر دیگر داشت، در فراق دوری فرزندى که می دانست زنده است، آن قدر گریست که مویش سپید گشت، قدش خمیده شد و بینابیش را از دست داد و چشمش سفید شد، آن هم برای حادثه ای که هنوز اتفاق نیفتاده بود. حال اگر در فراق امام مظلوممان گریه و بی تابى کنیم، آیا جرمی مرتکب شده ایم؟ آن هم برای مصیبتی که در آن، فرزند آخرین پیامبر خدا ﷺ را در ماه حرام، بدون رعایت کوچک ترین آداب جنگی نزد عرب، با بستن آب میان دو نهر آب، با بیش از سی هزار نفر در مقابل ۷۲ نفر و با آتش زدن خیمه ها به فجیح ترین وضع ممکن به شهادت رساندند و آن گاه بدن های «إرباً إرباً» را مثله مثله کردند و با اسب بر بدن ها تاختند!! که تا انسان، انسان است اگر از مصیبت آن گفته شود، تمام نخواهد شد، آن هم با نام دین و اسلام و پیامبر. عظمت مصیبت آن جاست که در میان این ۷۲ نفر، ولی الله الأعظم عَلَيْهِ السَّلَام بود که هم چون یحیای نبی عَلَيْهِ السَّلَام به دست فردی زنازاده شهید شد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۷۴) در روزی که من الأزل إلى الأبد، هیچ روزی به پای چنین مصیبت عظمایی نمی رسد (رک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۸۶). بنابراین این نوع عزاداری و گریه، هم مورد تأیید عقل است و هم به اسناد مختلف در منقولات به آن اشاره شده است که در این تحقیق تنها تعدادی از اسناد روایی اهل سنت اشاره شد.

۱. قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَام: كَانَ قَاتِلُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَكَدَّ زَنَا وَقَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَكَدَّ زَنَا وَكَمْ يَخْمَرُ السَّمَاءَ إِلَّا لَهْمَا؛ قَاتِلُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَلِدُ الزَّيْنَةَ بُوْدَهُ وَقَاتِلُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نِزُولُ الزَّيْنَةَ بُوْدَهُ اسْتِ وَأَسْمَانُ فِقْطُ بَرَاىِ اِيْنِ دُو نَفْرُ سُرْخُ كُرْدِيْد.

فهرست منابع:

الف. كتابها

* قرآن كريم.

* زيارت ناحيه مقدسه.

١. امينى اصل، رسول، ١٣٩٣ش، سلام بر محرم، قم: نشر معبود.
٢. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ١٤٠٧ق، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دارالجيل.
٣. ابن اثير، على بن محمد، ١٣٩٩ق، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر.
٤. ابن اعثم كوفى، ابو محمد احمد، ١٩٩١م، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت: دارالأضواء.
٥. ابن تيميه، تقى الدين احمد، ١٣٦٠ق، منهاج السنة النبوية، بيروت: دارالكتب العلمية.
٦. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، ١٤١٦ق، فتح البارى: شرح صحيح البخارى، بيروت: دارالمعرفة.
٧. ابن حنبل، احمد بن محمد شيبانى، ١٤١٤ق، مسند أحمد بن حنبل، بتحقيق عبدالله محمد الدرويش، بيروت: دارالفكر.
٨. ابن سعد، محمد بن سعد هاشمى، ١٤٠٥ق، طبقات الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية.
٩. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، ١٣٧٦ق، المناقب، نجف: المكتبة الحيدرية.
١٠. ابن عساکر، ابوالقاسم على، ١٤١٤ق، تاريخ مدينة دمشق، بتحقيق محمد باقر محمودى، قم: مجمع احياء الثقافة الاسلاميه.
١١. ابن قتيبه ديبورى، عبدالله بن مسلم، ١٤١٨ق، عيون الأخبار، بيروت: دارالكتب العلمية.
١٢. ابن قولويه قمى، ابوالقاسم جعفر، ١٤١٧ق، كامل الزيارات، قم: مؤسسة النشر الإسلامى.
١٣. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر، ١٤٢٠ق، تفسير القرآن العظيم، رياض: دار طيبة للنشر والتوزيع.
١٤. ابن ماجه، محمد بن يزيد ابوعبدالله قزوينى، ١٩٤٣م، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقى، بيروت: دارالفكر.
١٥. امام خامنه اى، سيدعلى، ١٣٩٢ش، أجوبه الإستفتائات، تهران: فقه روز.
١٦. _____، ١٣٧٣ش، ديدار يا جمعى از روحانيون، ١٧ خرداد ١٣٧٣.
١٧. بحرينى، عبدالله بن نورالله، ١٤٢٩ق، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدي، عطر عترت.
١٨. بخارى، ابوعبدالله محمد، ١٤٠٧ق، صحيح بخارى، بيروت: دار ابن كثير.
١٩. ترمذى، محمد بن عيسى، ١٤٠٣ق، سنن ترمذى، بيروت: دارالمعرفة.
٢٠. جوادى آملی، عبدالله، ١٣٩٠ش، شكوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم: مركز نشر اسراء.
٢١. _____، ١٣٩٢ش، كوثر كريل، قم: مركز نشر اسراء.
٢٢. _____، ١٣٩٣ش، مفاتيح الحياة، قم: مركز نشر اسراء.

۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۳۵ق، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. حجاج نیشابوری، ابوالحسن مسلم، ۱۴۵۳ق، صحیح مسلم، بتحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ق، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۶. حسینی میلانی، سیدعلی، ۱۳۸۸ش، ناگفته های از حقایق عاشورا، قم: مرکز حقایق اسلامی.
۲۷. حلبی، علی بن برهان الدین، ۱۳۴۹ق، السیرة الحلبیة (انسان العیون فی سیرة الامین المؤمن)، مصر: مطبعة مصطفى البابي.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الاقوال فی وجوه التأویل، بتصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۸ش، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: مکتبه آیه الله مرعشی النجفی.
۳۱. شوشتری، جعفر بن محمد، ۱۳۹۳ش، زیتون، ترجمه خصائص الحسین و مزیای المظلوم، ترجمه خلیل الله فاضلی، تهران: نشر هفت.
۳۲. شهرستانی، سید صالح، ۱۴۰۳ق، عزای حسین از زمان آدم تا زمان ما، قم: عمادزاده.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۰ق، الأمالی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. _____، ۱۴۰۴ق، عیون أخبار الرضا، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۵. _____، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۹۸۱م، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۳۷. فضل الله، سید محمد حسین، ۱۳۸۶ش، حدیث عاشورا، ترجمه فرزندق اسدی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳۸. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ق، تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. قمی، شیخ عباس، ۱۳۴۴ق، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، قم: دارالأسوة.
۴۰. _____، ۱۳۸۸ق، منتهی الآمال فی تواریخ النبی والال: زندگانی چهارده معصوم، تهران: میلاد.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۱ق، الکافی، بیروت: دار الأضواء.
۴۲. گروه مؤلفان، ۱۳۹۲ش، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی ۱۳: ویژه محرم، قم: دفتر نشر معارف.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۵ق، بحار الأنوار، قم: نشر فقه.
۴۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۹ش، آذرخش کربلا، به کوشش غلامحسن محرمی، قم: مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱ش، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا.



۴۶. مرتضی مطهری، ۱۳۸۹ش، یادداشت های استاد مطهری (۳)، تهران: انتشارات صدرا.
۴۷. معزی ملایری، اسماعیل، ۱۳۹۹ق، جامع احادیث الشيعة فی أحكام الشريعة، تحت اشراف حسین طباطبائی بروجردی، قم: مطبعة العلمية.
۴۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: نشر کنگره شیخ مفید.
۴۹. _____، ۱۳۹۰ش، مقتل مفید، ترجمه سیدعلیرضا جعفری، تهران: نبوغ.
۵۰. مقرر، سیدعبدالرزاق، ۱۳۹۵ش، مقتل الحسين عليه السلام، ترجمه عزیزالله عطاردی، قم: طوبای محبت.
۵۱. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۵۲. هیثمی، علی بن ابی بکر، ۲۰۰۹م، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بتحقیق حسین سلیم أسد الدارانی، بیروت: دارالمأمون للتراث.

ب. پایگاه ها

۱. <https://www.mashregnews.ir>

